

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، تابستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۹-۱۰۶

نقش اوچ کلیسا در مناسبات آرامنه و شاهان قاجار با تأکید بر فرامین فارسی ماتناداران

محمدرضا علم^۱
آرسن آواکیان^۲
عباس اقبال مهران^۳

چکیده

دین و نهادهای دینی در تنظیم رابطه میان مردم و نهادهای حکومتی نقش ممتازی دارد. اوچ کلیسا (سه کلیسا) در طول تاریخ آرامنه نقش ویژه‌ای داشته است. کلیسای جامع اجمیادزین یکی از آن کلیساهای سه‌گانه و نخستین کلیسای جامع در تاریخ مسیحیت توانست مردم متفرق ارمنی را برای یک همزیستی پایدار در کنار مردم ایران متحد کند. این پژوهش درصدد است تا با نگاهی تحلیلی نقش اوچ کلیسا را در تنظیم رابطه مردم ارمنی ساکن در ممالک محروسه ایران دوره قاجار مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است اوچ کلیسا به عنوان یک نهاد مذهبی در طول دوره قاجار، در تنظیم رابطه آرامنه و دولت ایران نقش راهبردی داشته است، به طوری که قوام و دوام ملت ارمنی مدیون اوچ کلیسا بوده و شاهان قاجار نیز از طریق همین نهاد مذهبی با آرامنه ساکن در ایران ارتباط برقرار می‌کردند.

کلیدواژه‌ها: آرامنه، اوچ کلیسا، فرامین ماتناداران، کلیسای جامع اجمیادزین، مسیحیت در ایران.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). alam@scu.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان. a.avagyan@mfa.am

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. abass.em1987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۵/۲۰

The role of Uch-Kilisa in the relations between Armenians and Qajar kings with the emphasis on the Persian decrees of Matenadaran

Mohammad reza Alam¹

Arsen Avagyan²

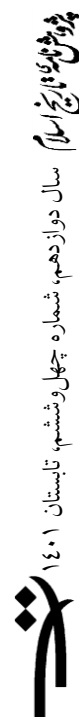
Abbas Iqbal Mehran³

Abstract

Religion and religious institutions play a significant role in regulating the relationship between people and government institutions. Uch-Kilisa (Three Churches) has played a special role throughout Armenian history. Etchmiadzin Cathedral is one of those triple churches and the first cathedral in the history of Christianity that was able to unite the divided Armenian people for a stable coexistence with the people of Iran. This research aims to analyze the role of the high church in regulating the relationship of the Armenian people living in the closed countries of Iran during the Qajar period. Findings of the research indicate that Uch-Kilisa as a religious institution during the Qajar period, played a strategic role in regulating the relationship between Armenians and the Iranian government, so that the stability and durability of the Armenian nation were owed to Uch-Kilisa, and the Qajar kings communicated with the Armenians living in Iran through this religious institution.

Keywords: Armenians, Uch-Kilisa, Decrees of Matenadaran, Etchmiadzin Cathedral, Christianity in Iran.

1. professor, Department of History, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran (corresponding author). alam@scu.ac.ir
2. professor, Department of Yerevan State University, Yerevan, Armenia. a.avagyan@mfa.am
3. PhD student of Iranian Islamic history, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. abass.em1987@gmail.com



پژوهش‌های تاریخ اسلام

سال دوازدهم، شماره چهل و نهم، تابستان ۱۴۰۱

۹۰

درآمد

اجمیادزین^۱ عمده‌ترین و اصلی‌ترین کرسی خلیفه اعظم (کاتولیکوس) در میان ارمنه جهان بود. جایگاه آن بسیار فراتر از یک کلیسا است. نقش آن در نزد ارمنه جهان همانند نقش واتیکان در جهان مسیحیت کاتولیک است. در متون ارمنه از آن به‌عنوان آستانه مقدس، مکان مقدس یا اجمیادزین مقدس^۲ یاد می‌شود که در برگیرنده مفهومی فراتر از یک کلیسا است. اجمیادزین به ارمنی یعنی مکانی که تنها پسر خدا، در آنجا پایش را به زمین گذاشت. ایرانیان و عثمانی‌ها به آن «اوج کلیسا»^۳ (سه کلیسا) می‌گفتند. اوج کلیسا به کلیسای بزرگ اجمیادزین و دو کلیسای مجاور آن یعنی سنت هریمه^۴ و سنت گایانه^۵ اشاره دارد. کلیسای مقدس اجمیادزین در شهر واقارشایت (اجمیادزین کنونی) در کشور ارمنستان قرار دارد.

روابط ایران و ارمنستان از نظر تاریخی قدیمی و طولانی بوده‌است. تاریخ ارمنستان را نمی‌توان بدون آشنایی با تاریخ ایران به طور دقیق مورد مطالعه قرار داد. به‌رغم تاریخ پرفراز و نشیب مردم ارمنی، آنچه مورد توافق همه ارمنه بوده و به نوعی اتحاد آنها را حفظ کرده و مانع از هم‌پاشیدگی آنها شده نهاد دینی به نام مسیحیت است. کلیسای جامع اجمیادزین، نخستین کلیسای جامع در تاریخ مسیحیت است. به موجب عهدنامه ترکمنچای دولت ایران، خانات و ایالات ایروان و نخجوان و اوج کلیسا را برای همیشه به دولت روس واگذار می‌کند و قریب ده کرور تومان به دولت روس خسارت جنگ می‌دهد (مارکام، ۶۴). در دوره صفویه این مجموعه اوج کلیسا خوانده می‌شد که به معنای سه کلیسای جامع ارمنی واقع در شهر واقارشاپاک ارمنستان است. ساخت‌وساز این بنا سال ۳۰۳ میلادی به پایان رسید. شاه ایران از جلفا به ارمنستان کوچک رفت و به محاصره ایروان، دژ اصلی آن ناحیه پرداخت. ایروان یکصد و پنجاه میل آلمانی با تبریز فاصله دارد. ایروان شهری بسیار مستحکم و سرزمینی دلکش و حاصلخیز است.

1. Etchmiadzin.
2. Holy See.
3. Uch-Kilisa.
4. Stripsime.
5. St Gayane.

در فاصله سه میلی از آنجا سه کلیسا قرار دارد. دو تا از آنها نیمه ویران است و سومی که از همه مهمتر است و ترک‌ها آن را اوچ کلیسا می‌نامند در وضع خویست. قبلاً تعداد زیادی زائر از اطراف به آنجا می‌آمدند. اکنون در آنجا تعداد زیادی راهب و روحانی یونانی هستند که خود را مسیحی می‌دانند (تکتاندرفون دریابل، ۶۳-۶۴).

از جمله اسناد خطی قدیمی «موسسه ماشتوس مقدس و نسخ خطی قدیمی»، احکام و فرامین فارسی است که از طرف حکام و پادشاهان ایران صادر شده است. جلد هفتم این مجموعه شامل فرامینی است که صادرکنندگان آن حکام و شاهان قاجار هستند. فرامین حکومتی که در باب ارامنه صادر شده و به «فرامین فارسی ماتناداران» مشهور است. ماتناداران در معنای لغوی به مکانی اطلاق می‌شود که برای نگاهداری اسناد، متون خطی و کتاب‌های دست‌نویس قدیمی یا چاپی استفاده می‌شود. مجموعه ماتناداران، علاوه بر حفاظت از این متون، فعالیت‌های علمی دیگری از قبیل جمع‌آوری، ترمیم، طبقه‌بندی، تحقیق و نشر آنها را نیز برعهده دارد. این فرامین در باب چگونگی اداره اقلیت ارامنه در ایران صادر شده‌اند و جهت‌گیری حکومت قاجار در ابعاد مختلف را نشان می‌دهد. بدون تردید، مطالعه این فرامین و اسناد برای ارائه تصویر کامل‌تر و دقیق‌تر روح سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه عصر قاجار لازم و ضروری است. با بررسی این فرامین سیاست مذهبی حکومت قاجار در باب اتباع غیرمسلمان، شفاف‌تر خواهد شد. دولت قاجار برای جلوگیری از نزدیکی ایروان و به ویژه کلیسای اجمیادزین به روس‌ها، درصدد تحکیم مناسبات با آنها برآمد تا شاید از طریق جلب و استمالت رهبران آن و برقراری پیوند نزدیک با آنها، از تمایلات گریز از مرکز آنان جلوگیری کند. از این رو کلیسای اجمیادزین، نخستین و مهم‌ترین کلیسای ارامنه، نقش مهمی در تحولات مذهبی، سیاسی و اجتماعی ارمنستان داشت. پژوهش حاضر با هدف بررسی چند نمونه از این اسناد صورت پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مستقل و جامعی در خصوص نقش اوچ کلیسا بر اساس فرامین

فارسی ماتناداران صورت پذیرفته است. کتاب *فرامین فارسی ماتناداران* اثر کوستیکیان^۱ (۲۰۲۱م) به بازخوانی آن فرامین پرداخته است. پژوهش‌های موردی معدودی نیز در مورد نقش این نهاد دینی انجام گرفته است که از جمله می‌توان به پژوهش علیزاده مقدم و هاشمی‌پور (۱۳۹۴ش) با عنوان «وضعیت فرهنگی آرامنه بوشهر در دوره قاجار بر اساس اسناد این دوره» که به بررسی وضعیت فرهنگی آرامنه بوشهر به لحاظ رشد فرهنگی آن منطقه و همچنین تأثیراتی که در روند نهادهای آموزشی و امور مطبوعاتی آن دوران داشته‌اند، اشاره کرد. عزیز نژاد (۱۳۹۸ش) در مقاله «روابط خانات ایروان با گرجی و نقش قدرت‌های پیرامونی در دوره حکمرانی حسینعلی خان قاجار ایروانی» به نقش سوق الجیشی خانان ایروان و موقعیت ممتاز آنها در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته است. در پژوهشی دیگر اورجی (۱۴۰۰ش)، «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اجمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی» را مورد بررسی قرار داده است. اورجی تلاش کرده است تا روابط عباس میرزا با آرامنه و به ویژه کلیسای اجمیادزین را مورد بررسی قرار دهد تا از آن طریق به تلاش ایران برای حفظ پیوندهای میان خود و ارمنستان برای حفظ حاکمیت تاریخی خود بر آن سرزمین و از سوی دیگر به فعالیت‌های واگرایانه رهبران اجمیادزین که باعث جدایی ایروان از ایران و الحاق آن به روسیه شد، اشاره کند. هوسپیان (۱۳۹۶ش)، در مقاله «نگاهی به تاریخ شهر اجمیادزین» به نقشه‌های جغرافیایی و موقعیت آن شهر در ارمنستان پرداخته است. بر اساس این مقاله در نقشه‌های موجود به زبان‌های ارمنی، انگلیسی، روسی، ایتالیایی و عربی از واقارشاباد در دو جا به صورت اوچ کلیسا، دو جا به صورت اکیبازین و در مابقی نقشه‌ها به صورت اجمیادزین نام برده شده است.

با این همه پژوهش حاضر بر اساس اسناد فرامین ماتناداران تنظیم شده و وجه تمایز آن نسبت به پژوهش‌های قبلی، استفاده بسیار از منابع اسنادی دست اول مرتبط با همان دوره است. این پژوهش قصد دارد با تکیه بر اسناد آرشیوی به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش اوچ کلیسا در تنظیم رابطه آرامنه و شاهان قاجار با تأکید بر فرامین

1. Kostikyan.

فارسی ماتناداران، به سؤالات زیر در این زمینه پاسخ دهد که نقش اوچ کلیسا در اتحاد میان ارمنه چه بوده است؟ و شاهان قاجار چگونه رابطه خود را با مردم ارمنی ساکن در قلمرو خود تنظیم می کردند؟ با توجه به پیشینه ذکر شده و به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، این فرضیه‌ها به آزمون گذاشته شده است که اوچ کلیسا به عنوان عامل وحدت بخش میان ارمنه در طول تاریخ توانسته است باعث عدم اضمحلال این مردم شود و شاهان قاجار و خلفای ارمنی نیز به دنبال یک همزیستی پایدار بودند.

ارمنه در دوره قاجار

ارمنه از گذشته‌های دور، یعنی زمانی قریب به دو هزار و هشتصد سال پیش تاکنون همواره با ایرانیان دارای ارتباطات بسیار نزدیک بوده‌اند. جابه‌جایی‌های ناشی از بازرگانی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر موجب مهاجرت نیروهای ارمنی به مناطق داخلی ایران شده بود. شاه تهماسب، طی سال‌های ۹۴۷-۹۶۰/۹۶۰-۱۵۴۰-۱۵۵۳ با لشکرکشی‌های متعدد که به مناطق مختلف قفقاز انجام داد، اسیران گرجی، چرکس و ارمنه زیادی را با خود به ایران آورد (مستوفی، ۷۶). این روند در دوره شاه عباس اول صفوی نیز استمرار یافت. بدین ترتیب ارمنه به سبب عوامل متعدد به تدریج حضور خود را در عرصه‌های مختلف در ایران پررنگ کردند (اسکندر بیگ ترکمان، ۸۹۸، ۹۰۱). از دیرباز عوامل متعددی، همچون تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر یا تکاپوهای بازرگانی و تجاری، زمینه‌ساز حضور و استقرار ارمنه در حوزه جغرافیایی ایران شد (رائین، ۱۷). نیروهای ارمنی از دوره صفویه به‌طور فعال با حضور در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عرصه‌های تجاری و بازرگانی، در ایران نقش مؤثری داشتند (علیزاده مقدم و هاشمی پور، ۶۰). با به قدرت رسیدن قاجارها، تحول فراوان در اوضاع ارمنیان ایران حادث شد و به تعاقب خدمات ارزنده آنان در دوران مشروطیت، ایشان سرانجام حقوق یک شهروند ایرانی را که سال‌ها از آن محروم بودند، دریافت کردند. دوره پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، با آرامش نسبی همراه بود. رائین (۳۸) در کتاب خود

وضع ارمنیان را در زمان فتحعلی شاه به خوبی توصیف می‌کند. در هوهانیان^۱ (۳۰۴)، مورخ ارمنی دوره قاجار نیز می‌نویسد فتحعلی شاه به ارمنیان با نظر خوش می‌نگریست.

تعیین خلیفه اوچ کلیسا توسط پادشاه ایران

سیاست اصولی دولت صفوی و قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی، به‌ویژه ارمنه بود. عدم اجبار در تغییر مذهب، حمایت از ساخت و نگهداری ده‌ها کلیسای ارمنی در مناطق مختلف ایران به‌ویژه در جلفای اصفهان و حق تعیین خلیفه توسط پادشاهان ایران، آزادی برگزاری مراسمات مذهبی، اختصاص کلاتر ارمنی برای محله جلفا و موارد دیگر بخشی از این واقعیت تاریخی است (Baghdiantz, 135). شاهان قاجار در فرامین متعددی لزوم تعیین خلیفه اوچ کلیسا را تنها حق دولت قاجار می‌دانستند و با صدور فرامین متعددی این حق را هم به زعمای اوچ کلیسا و هم به دولت عثمانی متذکر می‌شدند (پاپازیان^۲، ۲۰۵؛ سدیدالسلطنه، ۱۰۵). فتحعلی شاه در فرمانی به پیر قلی خان قاجار، سردار ولایات قاجار متذکر می‌شود که چون خلیفه داود را به خلافت اوچ کلیسا تعیین کرده، از طرفی خلیفه دیگری توسط دولت عثمانی منصوب و در امر خلیفه داود اختلال ایجاد کرده، دستور داده است تا در جهت استقلال و نظم امور خلیفه داود که منصوب دولت ایران است، به حاکم آن منطقه دستور داده شود که اوچ کلیسا متعلق به ایران است و عزل و نصب خلیفه موقوف به نظر عالم آرای پادشاه ایران است («تعیین خلیفه اوچ کلیسا توسط شاه ایران»، سند مورخ رجب ۱۲۱۷). همچنین خطاب به میرزا فرج الله، وقایع‌نگار دولت علیه اعلام می‌دارد که چون صدور فرمان خلیفه اوچ کلسیا از آن دولت علیه است، هرگونه تأخیر در صدور فرمان برای انتصاب خلیفه را جایز ندانسته و این موضوع نیز به اطلاع دولت بهیه عثمانی برسد («صدور فرمان خلافت خلیفه اپرم جهت اطلاع به اولیای دولت عثمانی»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۵). دولت قاجار با صدور چنین فرامینی زمینه‌های لازم برای سامان دادن امور اوجاق (اتباع حکومت صفوی) را فراهم می‌کرد. شاه ایران در فرمانی خطاب به ابرهم مهرآسیا متذکر شده به سبب غیبت خلیفه در

امور اوجاق اختلال و اغتشاشی کلی شده و از نظم و نسق و رواج و روشن افتاده پس مقرر کردیم که از جانب خلیفه به نیابت تعیین و امور اوجاق را تماماً سامان شود («تعیین نایب از طرف خلیفه»، سند مورخ جمادی الاخر ۱۲۳۹). حساسیت تعیین خلیفه اوچ کلیسا به حدی بود که حتی در زمان غیبت و یا سفر خلیفه وقت به مکان دیگری امور اوجاق باید بدون خلیفه و یا جانشین آن اداره نمی‌شد و هیچ‌کسی این حق را نداشت که جز نظر ملوکانه در جهت نصب و یا عزل خلیفه یا جانشین آن اقدامی بکند. شاه ایران در فرمانی خطاب به مهرانسیایان و قسیسان ملت مسیحی یادآور می‌شود که چون خلیفه اپرم به واسطه بعضی امور عازم تفلیس شده‌است و در آنجا توقف دارد لذا مقرر داشتیم که بعد از مراجعت ایشان به اوچ کلیسا او باز خلیفه باشد و همگان ملزم به تبعیت از او هستند («انتصاب مجدد خلیفه اپرم به مقام خلیفه اوچ کلیسا»، سند مورخ جمادی الاولی ۱۲۴۰). شاهان قاجار با توجه به قوانین داخلی ارامنه مقرر کرده بودند تا سلسله مراتب داخلی در زمینه تعیین بزرگ و کوچک، نجیب و غیر نجیب، موقوف به تشخیص خلیفه باشد («تعیین مراتب در میان ارامنه بر عهده خلیفه اوچ کلیسا می‌باشد»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷). خلیفه و تابعان اوجاق، از اقداماتی که باعث ایجاد خلل در استقلال و حاکمیت ایران می‌شود، پرهیز می‌کردند. شاه ایران در فرمانی خطاب به خلیفه اپرم و در پاسخ به درخواست او که از طریق محمدرضا بیگ ایروان به نظر شاه رسیده مرقوم داشته بود که با توجه به اینکه از دولت بهیه روس نشان عنایتی برای خلیفه ارسال شده و از طرفی چون دشمنی میان دولتین از بین رفته و دوستی حاصل شده، درصدد اجازه از شاه جهت آویزان کردن آن نشان دولت روسیه برگردن هست که این اتفاق از دولتین به خدمتگزاران طرفین نوعی رسم است که از نظر - ملوکانه شاه ایران منعی ندارد و می‌تواند بیاندازد («صدور اجازه شاه ایران برای نصب نشان دولتی روسیه توسط خلیفه»، سند مورخ ذیحجه ۱۲۲۹). تعاملات دوستانه و قابل‌اعتمادی فی‌مابین دولت قاجار و خلفای اوچ کلیسا برقرار بود و برای آسایش و تأمین لوازم مورد نیاز آنها برای رفتن به اوجاق در بلاد عثمانی تمهیدات لازم فراهم می‌شد. در فرمانی به خلیفه اپرم موافقت شاه با عزیمت خلیفه به سفر دارالخلافه اسلامبول و آنچه لازم بود محض عرض و استدعای آن عالیجاه به اولیای دولت عثمانی نوشته شد («موافقت شاه با

عزیمت خلیفه به سفر دارالخلافة اسلامبول»، سند مورخ رجب ۱۲۳۵).

مباحث وقفی، ارث و منازعات میان ارامنه و مسلمانان

تقریباً همه شاهان ایران، متن ارمنی وقف نامه مربوط به کلیسای اجمیادزین را به‌عنوان مهم‌ترین مرکز مذهبی ارمنی محترم می‌شمردند و با صدور فرمان‌هایی بر ضرورت رعایت مفاد وقف نامه اراضی کلیسا و جلوگیری از دخل و تصرف در آن تأکید داشتند. آنها خلفای ارامنه را از پرداخت هرگونه وجوه دیوانی معاف و رعایت احترام او را ضروری دانستند (رشتیانی، ۵۱، ۵۷). از طرف دیگر فرمان‌هایی صادر شده بود که بر اساس آنها همه اراضی قراکلیسا، وقف کلیسا بود و اسقف این کلیسا نیز از پرداخت همه عوارض دیوانی از جمله جزیه و دیوان بیگی معاف بودند (Kostikyan, 2, 159). علاوه‌بر این واگذاری امور کلاتری ارامنه به خود ارامنه نیز از سیاست‌های ثابت دوره قاجار بود. عباس میرزا نیز با استناد به فرمان‌های کریم‌خان زند و آقا محمدخان قاجار با صدور حکمی در ذی‌قعدة ۱۲۴۰ منصب کلاتری ارامنه آزاد جیران را به صورت موروثی به شمشون بیگ و اگذار کرد (گج، ۲۰۰). عباس میرزا در حکمی دیگر به تاریخ صفر ۱۲۲۰ ضمن قدردانی از خدمات قراییگ مسیحی، لقب «بیگزادگی» به وی اعطا کرد و او را از پرداخت مالیات و عوارض دیوانی معاف کرد (همان، ۱۵۶). طی حکمی در ربیع‌الاول ۱۲۲۳ خطاب به حسین‌خان، بیگلریگی ایروان بر ضرورت بازگرداندن ارامنه به سرزمین خود تأکید و در حکمی دیگر به تاریخ ۱۲۳۴ق و با استناد به حکم آغامحمدخان از بازگشت پتروسبیگ به قراباغ حمایت کرد (همان، ۱۵۲). هرکس از ارامنه که به اسلام مشرف می‌شود، در ارث چون مسلمین باشد. از اقوام و اقارب اموات خود به هر طریق که اهل اسلام را بهره‌وارث می‌رسد، جدیدالسلام نیز از اقارب اموات در دین عیسوی که دارد مستحق ارث و بهره باشد («تعیین نحوه ارث بردن ارامنه»، سند مورخ شوال ۱۲۴۰). فرمانی خطاب به نظرعلی خان حاکم مرند صادر شد مبنی‌بر اینکه خلیفه اپرم که همیشه اوقات وجوه خمس و زکات را به اوجاق اوچ کلیسا می‌برده و هرگز در مرند راهداری نداده‌اند، این روش باز به همین منوال بماند («عدم دادن حق راهداری در مرند توسط عمال خلیفه»، سند مورخ رمضان ۱۲۲۹). فرامین بسیاری در باب حل

اختلافات فی مابین ارامنه و مسلمانان صادر شده بود. در فرمانی خطاب به حاکم وقت قریحه کلفرج^۱ مبنی بر اینکه در باب مراتع قریحه مذکور کما فی سابق رفتار شود و زراعت و مراتع و دیمات ارامنه را نچرانند («رسیدگی به شکایت ارامنه توسط حاکم قریح کلفرج»، سند مورخ رمضان ۱۲۴۲). مقرر شد تا هرگونه خلافی که از مهراسایان سرزد توسط خلیفه اوچ کلیسا تنبیه شود؛ از قبیل تراشیدن ریش، تنبیه، تادیبه و مرخص و ماذون کردن («تنبیه مهراسایان تنها توسط خلیفه»، سند مورخ شعبان ۱۲۲۳). در باب وجه طلب ورثه مرحوم حاجی لطفعلی کنگرلو و از خلفای وانک نخجوان نیز شاه ایران دستوری صادر کرده بود تا دعوای ورثه و خلفا را به شرع محول کنند و دو یا سه روزه این موضوع حل گردد («وجه طلب ورثه مرحوم حاجی لطفعلی کنگرلو و از خلفای وانک نخجوان»، سند مورخ رمضان ۱۲۳۱). شاه ایران همچنین برای ادای قرض خلیفه اپرم به حسین خان سردار^۲، بیگلربیگی ایروان دستوراتی صادر کرده بود («باب قرض خلیفه داود»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷).

ارامنه و جنگ ایران و روس

رابطه ایران و امپراتوری روسیه اوایل دوره قاجار خصمانه بود. تنش میان ایران و روسیه در دوره آقا محمدخان و در پی حمله سپاه ایران به گرجستان که با تلفات بالای غیرنظامی همراه بود، آغاز شد و پس از آن در زمان زمامداری فتحعلی شاه ادامه یافت. بهانه دست‌اندازی روس‌ها به خاک قفقاز این بود که برخی از باشندگانش خواستار خودمختاری بودند. از دیگر سو مردم مناطق قفقاز شرقی یعنی گنجه، شروان، تالش، باکو، مسلمان و هوادار ایران بودند. ایران عصر قاجاری در ابتدای قرن ۱۳/۱۹ در حالی مورد تجاوز روس‌ها واقع شد که بی‌خبر و عقب مانده از تحولات دنیا، با مشکلات عدیده‌ای

۱. قریحه کلفرج در دره شام واقع بود. این دره تاریخی و طبیعی در حاشیه رود ارس است که از محل تلاقی رودخانه‌های ارس و آق‌چای تا نزدیکی‌های شهر خوی در استان آذربایجان غربی امتداد می‌یابد.
 ۲. حسین خان سردار ایروانی (متولد ۱۷ اکتبر ۱۸۰۶ - وفات ۲۶ اکتبر ۱۸۲۷ / ۲۵ مهر ۱۱۸۵ - ۳ آبان ۱۲۰۶ ش) از قاجارهای قزوین و از حاکمان معروف دوره فتحعلی شاه قاجار است. حسین خان سردار و برادر وی حسن خان قاجار قزوینی (ملقب به ساری‌اصلان) تنها حاکمان ایروان بودند که در مقابل دست‌اندازی‌های روسیه به مناطق ایروان مقاومت کرده بودند.

در داخل کشور مواجه بود. به‌رغم نتایج تلخ، این واقعه دستاورد مهمی را نصیب فتحعلی شاه و اطرافیان وی کرد که از همه مهم‌تر آگاهی از ضعف تجهیزات نظامی و دانش روز بود. این موضوع انگیزه اقدامات اصلاح طلبانه‌ای شد که به دنبال درک کاستی‌های نظام تعلیم و تربیت، دولتمردان را در انجام آنها مصمم ساخت. جنگ‌های ایران و روس در زمان پادشاهی فتحعلی شاه با بسته شدن دو پیمان گلستان و ترکمانچای پایان یافت (مفتون دنبلی، ۵۸۲-۵۸۳). به موجب این پیمان در فصل سوم عهدنامه گلستان پادشاه ایران برای ابراز دوستی و وفاق نسبت به امپراتور روسیه تمامی ولایات قزاق و گنجه و خانات موشکی و شیروان و قبه و دربند و باکو و هرچا از ولایات طالش را که بالفعل در تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان را تا دریای خزر مخصوص و متعلق به دولت امپراطوری روسیه می‌داند (شمیم، ۸۵). در فصل سوم و چهارم عهدنامه ترکمانچای نیز امتیازاتی به دولت روسیه داده شد و حوزه نفوذ ایران در منطقه قفقاز برای همیشه از دست رفت. شاه ایران از طرف خود و جانشینان خود، خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان و ایروان را به دولت روس واگذار کرد. او برای اثبات دوستی خالصانه نسبت به امپراطور روسیه، به موجب همین فصل، از طرف وارث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق می‌نماید که ممالک و جزایری که مابین خط تحدید فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز، دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره متعلق به دولت روسیه است (شمیم، ۹۵-۹۶).

در دهه‌های ۱۷۳۰ تا ۱۷۶۰ که اختلاف‌های درونی آرامنه بر سر حفظ یا تغییر وفاداری سیاسی، شدت بیشتری به خود گرفت، ایران‌گرایان دست بالا را داشتند. در این جنگ‌ها، سربازان ارمنی در هر دو سپاه ایران و روسیه می‌جنگیدند اما تعداد سربازان ارمنی که در ارتش ایران خدمت می‌کردند، به‌طور محسوسی از تعداد آنان در ارتش روس بیشتر بود (میناسیان، ۱۰۳). خلیفه‌گری ارمنیان در اجمیادزین نسبت به وفاداری ارمنیان به ایران در زمان قاجار تأثیر فراوانی داشتند. به طوری که با صدور فرامینی به آرامنه تابع اجمیادزین گوشزد می‌کردند که نسبت به دولت ایران وفادار باشند. در این میان اوج کلیسا اظهار وفاداری خود را در قالب عریضه و کمک به اطلاع دولت علیه می‌رساند. در فرمانی که به

خلیفه سرکیس بعد از جنگ میان ایران و روسیه در زمان عباس میرزا و با پیروزی ایران صادر شده است، رضایت خاطری ملوکانه از اقدامات اوچ کلیسا و سرسپردگی کامل به دولت علیه ایران از اضمحلال قوای روسیه که با نه هزار صالداات مغلوب و شش عراده توپ و قورخانه و دواب و عراده به دست سپاه ایران افتاده است، اعلام می‌دارد («رضایت خاطری ملوکانه از اقدامات اوچ کلیسا و سرسپردگی کامل به دولت علیه ایران»، سند مورخ صفر ۱۲۴۳). رقابت‌ها و منازعات خان‌نشین‌های قفقازی با یکدیگر و تلاش برای جلب حمایت روسیه در مقابله با رقبای بومی خود که نمی‌توان آنها را به مثابه درخواست برای پیوستگی به روسیه دانست؛ برای نمونه یکی از فرماندهان روسی در گرجستان به نام دانیل اونسوف در نامه‌ای به ژنرال پتمکین^۱ در ۷ ژوئن ۱۷۸۴/رجب ۱۱۹۸ گزارشی از درخواست حمایت ملیک‌های قراباغ^۲ (حکام محلی قراباغ) برای مقابله با ابراهیم‌خان حاکم شوشا نوشت که خواستار نابودی وی شده بودند (TsGADA, 124-125). ایوان دیوید لازارف در نامه‌ای به ژنرال الکساندر ساوروف در ژانویه ۱۷۸۰/محررم ۱۱۹۴، ضمن درخواست برای ورود جدی روسیه به قفقاز جنوبی و تصرف دربند و گنجه و ارمنستان می‌نویسد: «ملیک‌های قراباغ به علت عدم همکاری و توافق با خود، گرفتار سیطره ابراهیم‌خان هستند. آنان همچنین هیچ رهبر ارمنی را برای حکومت بر مردم قبول ندارند» (AVPR, 59-64). همچنین بسیاری از اسناد بیانگر عدم همکاری ارمنه در گرایش به روسیه هستند. کاتلیکوس آسایی (اسقف اعظم صومعه گندزاسار) در نامه‌ای به میناس وارداپت در سپتامبر ۱۷۱۸ پس از ارائه گزارشی درباره اوضاع داخلی ایران نوشت: «ما در میان مارها زندگی می‌کنیم و بعضی از ارمنه قابل اعتماد نیستند. کسانی در بین ما هستند که دشمن ما می‌باشند. جاسوسانی در میان ما هستند که اگر رازهای ما فاش شود، به معنای پایان کار ما خواهد بود. در میان اهالی جلفا تعداد زیادی افراد خائن وجود دارد به‌علاوه در میان اهالی جاسوسانی وجود دارند که در شماخی زندگی می‌کنند. این را

1. Potemkin.

۲. ملیک‌ها، رهبران ارمنیانی بودند که در جنگ‌های شاه‌عباس با عثمانی‌ها به کمک او شتافتند و در کسب پیروزی وی نقش بسزایی داشتند به پاس این جانفشانی‌ها و فداکاری‌ها بود که شاه‌عباس به آنها لقب ملیک داد (رافی، ۸۶).

فراموش مکن که حتی در میان آرامنه آستاراخان ممکن است کسانی باشند که هنوز تبعه ایران باشند و ممکن است به ما خیانت کنند» (Bournoutian, 86). علاوه بر گرجیانی نظیر الکساندر میرزا^۱، فرزند ارکله دوم آراکلی خان^۲ که در همه جنگ‌های ایران و روس در کنار عباس میرزا با روس‌ها جنگید، طیف‌هایی از آرامنه نیز در نبرد با روسیه پیشگام بودند. فتحعلی شاه با صدور فرمانی در سال ۱۳۳۴ از خدمات اوکیمه ارمنی و برادرش در معالجه مجروحان و خدمات آنها به دولت ایران قدردانی و بر رعایتشان و جایگاه آنها تأکید کرد (گنج، ۳۹). در فرمانی به خلیفه ابرم بیان شده است که چون الکساندر میرزا والی زاده، خدمت‌ها به دولت قاهره کرده و ارادات‌ها و شفقت‌ها دیده، ملک صهاک ملک آرامنه ایروان دختری قابل دارد و چون آن عالیجاه خلیفه اوجاق اوج کلیسا و از خلفای بزرگ نصاری می‌باشد و از طرفی الکساندر میرزا از والی زاده مشهور و معروف ممالک بسیطه ایران است اهتمام مزبور جهت این وصلت انجام شود («وصلت الکساندر میرزا والی گرجستان با دختر ملک صهاک خلیفه اوجاق»، سند مورخ رجب ۱۲۳۴).

حمایت شاهان قاجار از آرامنه و اوج کلیسا

از دوره اول قاجار فرامین بسیاری از شاهان ایران برجای مانده که بیانگر حمایت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی از آرامنه و واگذاری امور محلی به نمایندگان آنهاست. سیاست ثابت این دوره قاجارها واگذاری امور کلاتری آرامنه به خودشان بود. فتحعلی شاه با استناد به فرامین کریم‌خان زند و آغامحمدخان قاجار با صدور فرمانی در رجب ۱۲۴۱ منصب کلاتری آرامنه آزاد جیران را به فرزندان شمدان بیگ اکلیس علیائی تأیید کرد (گنج، ۴۲). عباس میرزا نیز با استناد به فرمان‌های کریم‌خان زند و آقا محمدخان قاجار با صدور حکمی در ذی‌قعدة ۱۲۴۰ منصب کلاتری آرامنه آزاد جیران را به صورت موروثی به شمئون بیگ واگذار کرد (همان، ۲۰۰). فرمان مهم دیگری از فتحعلی شاه خطاب به اسقف اعظم اجمیادزین در دست

۱. اسکندر میرزا یا الکساندر میرزا (۱۷۷۰-۱۸۴۴)، شاهزاده گرجی طرفدار ایران در زمان جنگ‌های ایران و روس بود. در منابع گرجی به الکساندر باتونوشویلی (Batonishvili) یعنی شاهزاده، مشهور است.

۲. در منابع فارسی به صورت آراکلی، ارکلی، اراکلی و هراکلیوس نیز آمده است.

۳. آرشیو اسناد تاریخی گرجستان.

است که در آن بر موارد زیر تأکید شده است: معافیت و مالوجها (مال و جهات)، سورات عوارض و بیگار، موظف کردن مسلمانان اجاره گیر به پرداخت مال الاجاره به ارامنه، دفن بی زحمت مردگان، به صدا درآوردن ناقوس و ورود به کلیسا بدون هیچ ممنوعیتی، قدغن کردن آزدن کشیش ها، ممنوعیت تغییر اجباری کیش ارامنه، معافیت عوارض راه برای ارامنه ای که از عثمانی برای زیارت می آیند و رایگان بودن استفاده از رودخانه های کارهی و اوشاکات (Bournoutian, 55). فتحعلی شاه در حکمی دیگر به تاریخ ۱۲۳۴ و با استناد به حکم آغامحمدخان از بازگشت پتروس بیگ به قراباغ حمایت کرد (گج، ۱۵۲). در فرامین متعددی نیز نسبت آسایش ارامنه، آبادانی املاک ارامنه، انتظام امور اوج کلیسا، حمایت مادی و معنوی از خلفای اوج کلیسا با هدف استحکام پیوندهای دوستی میان دو مردم مسلمان و ارمنی و مانند اینها توجه خاصی شده است. در فرامینی نیز به معافیت های مالیاتی و دیوانی و قروض اوجاق توجه ویژه ای شده است. فرمانی خطاب به سرکیس خلیفه مبنی بر اینکه قریحه دیه کند دره شام را به تیول ابدی خلیفه مرحمت شده و به دلیل خدمات به دولت ایران مرخص از دیون شده است («قریحه دیه کند دره شام را به تیول ابدی خلیفه مرحمت شده»، سند مورخ شعبان ۱۲۴۴). در جواب نامه خلیفه سیمون که درخواست التفات به آبادانی معابد کرده بود، برای آبادانی معابد و اوجاق، فرمانی مبنی بر معافیت های مالیاتی صادر شد («معافیت های مالیاتی»، سند مورخ محرم ۱۲۴۵). خلیفه ابراهیم اوج کلیسا نایی به دربار فرستاد که به دلیل بی سامانی معادل ۲۶ هزار تومان مقروض شده و در کارش اختلال شده است. شاه دستور داد، بعد از این تاریخ به طلبکاران جز اصل پول چیزی داده نشود تا اصل تنخواه پرداخت شود («التفات به نایب خلیفه که مقروض شده»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۷). فتحعلی شاه برای خلیفه داود فرمانی صادر کرد که هرگز ارامنه را مجبور به اسلام نکنند، هیچ مسلمانی ادعایی بدون فرمان جهان مطاع ننماید و مجازات ارامنه را فقط خلیفه ارامنه می تواند انجام دهد («فرمانی از فتحعلی شاه به خلیفه داود به جهت حمایت از ارامنه»، سند مورخ جمادی الثانی ۱۲۱۹). در فرمانی دیگر خلیفه ابرم مأمور می شود تا بر اساس حکم دولت روسیه، ارامنه متفرقه اوجاق در شوره کل و پنبک و گرجستان را سامان دهد («انتظام امور اوجاق در شوره کل و پنبک و گرجستان»، سند مورخ محرم ۱۲۲۵). شاهان قاجار بر آبادی و عدم دخل و

تصرف در اموال ارامنه و اموال قراکلیسا توجه ویژه‌ای داشتند («اهتمام شاهان قاجار در حمایت از ارامنه»، سند مورخ صفر ۱۲۲۳).

نتیجه

با توجه به قرابت‌ها و پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی میان ارامنه و ایرانیان، اوچ‌کلیسا در طول تاریخ نقش مهمی در تنظیم روابط میان ارامنه و شاهان قاجار بر عهده داشت. اوچ‌کلیسا به عنوان عامل وحدت‌بخش میان ارامنه در طول تاریخ توانست از پراکندگی مردم جلوگیری کند. شاهان قاجار و خلفای ارمنی به دنبال یک همزیستی پایدار در دو ملت جهت نیل به اهداف خود بودند. اوچ‌کلیسا به‌عنوان یک نهاد دینی مسیحیت، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی‌مابین دولت قاجار و ارامنه بود. این کلیسا ضمن دارا بودن اعتماد از سوی طرفین، در طول دوره زمامداری آقامحمد خان و فتحعلی شاه قاجار در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارامنه نقش مهم و کلیدی داشت. بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت قاجار حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی خود به‌ویژه ارامنه بوده‌است. از جمله اسناد خطی قدیمی، احکام و فرامین فارسی است که از طرف حکام و پادشاهان ایران صادر شده و به «فرامین فارسی ماتناداران» مشهور است. از نکات قابل توجه اسناد فارسی ماتناداران می‌توان به موضوع مطالبات ارامنه در این دوره اشاره کرد که بیانگر روحیه مالی و تجاری ارامنه است. به‌طوری که از نظر تعداد و حجم درخواست‌ها و صدور احکام، نخست به مباحث و مسائل مالی، تجاری و مالیاتی و در مرتبه دوم به حفظ مذهب و کلیسا توجه شده‌است. در بررسی و تحلیل نقش اوچ‌کلیسا در تنظیم رابطه ارامنه و شاهان قاجار با تأکید بر متن فارسی ماتناداران می‌توان به‌حق تعیین خلیفه اوچ‌کلیسا توسط پادشاه ایران، مباحث وقفی، وجوهات ارثی و منازعات میان ارامنه و مسلمانان، کمک ارامنه به قاجار در جنگ ایران و روس و حمایت شاهان قاجار از ارامنه و آبادانی و انتظام امور اوچ‌کلیسا اشاره کرد.

منابع

- «التفات به نایب خلیفه که مقروض شده»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۷، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۹۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «انتصاب مجدد خلیفه ابرم به مقام خلیفه اوچ کلیسا»، سند مورخ جمادی الاولی ۱۲۴۰، پوشه ش ۱، پرونده ش ۱۶۷۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «انتظام امور اوجاق در شوره کل و پنبک و گرجستان»، سند مورخ محرم ۱۲۲۵، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۱۰، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «اهتمام شاهان قاجار در حمایت از ارامنه»، سند مورخ صفر ۱۲۲۳، پوشه ش ۱، پرونده ش ۳۹۴۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «باب قرض خلیفه داود»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۳۹، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «تعیین خلیفه اوچ کلیسا توسط شاه ایران»، سند مورخ رجب ۱۲۱۷، پوشه ش ۱، پرونده ش ۱۴۷۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «تعیین مراتب در میان ارامنه بر عهده خلیفه اوچ کلیسا می باشد»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۳۲، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «تعیین نایب از طرف خلیفه»، سند مورخ جمادی الاخر ۱۲۳۹، پوشه ش ۱، پرونده ش ۷۰۴، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «تعیین نحوه ارث بردن ارامنه»، سند مورخ شوال ۱۲۴۰، پوشه ش ۴، پرونده ش ۱۴۴، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «تنبیه مهراسیان تنها توسط خلیفه»، سند مورخ شعبان ۱۲۲۳، پوشه ش ۱، پرونده ش ۵۹۴، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «رسیدگی به شکایت ارامنه توسط حاکم قریح کلفرج»، سند مورخ رمضان ۱۲۴۲، پوشه ش ۴، پرونده ش ۷۵۳، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «رضایت خاطری ملوکانه از اقدامات اوچ کلیسا و سرسپردگی کامل به دولت علیه ایران»، سند مورخ صفر ۱۲۴۳، پوشه ش ۱، پرونده ش ۷۵۰، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «صدور اجازه شاه ایران برای نصب نشان دولتی روسیه توسط خلیفه»، سند مورخ ذیحجه ۱۲۲۹، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۵۲، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «صدور فرمان خلافت خلیفه ابرم جهت اطلاع به اولیای دولت عثمانی»، سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۵، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۸۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.

- «عدم دادن حق راهداری در مرند توسط عمال خلیفه»، سند مورخ رمضان ۱۲۲۹، پوشه ش ۴، پرونده ۱۵۴۵، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «فرمانی از فتحعلی شاه به خلیفه داود به جهت حمایت از ارامنه»، سند مورخ جمادی الثانی ۱۲۱۹، پوشه ش ۱، پرونده ش ۱۴۷۸، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «قریحه دیه کند دره شام را بتیول ابدی خلیفه مرحمت شده»، سند مورخ شعبان ۱۲۴۴، پوشه ش ۱، پرونده ش ۷۵۴، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «معافیت‌های مالیاتی»، سند مورخ محرم ۱۲۴۵، پوشه ش ۱، پرونده ش ۷۶۶، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «موافقت شاه با عزیمت خلیفه به سفر دارالخلافه اسلامبول»، سند مورخ رجب ۱۲۳۵، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۸۴، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «وجه طلب ورثه مرحوم حاجی لطفعلی کنگرلو و از خلفای وانک نخجوان»، سند مورخ رمضان ۱۲۳۱، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۶۱، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- «وصلت الکساندر میرزا والی گرجستان با دختر ملک صهاک خلیفه اوجاق»، سند مورخ رجب ۱۲۳۴، پوشه ش ۱، پرونده ش ۶۸۰، آرشیو اسناد مجموعه ماتناداران ارمنستان.
- اسکندربیک ترکمان، عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- اورجی، فاطمه، «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اجمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۲۸، مهر، ۱۴۰۰، ص ۳۰-۱. DOI:10.22034/jiiph.2021.43966.2159
- پاپازیان، اچ، متن فرامین فارسی ماتناداران، ایروان، آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۵۶.
- درهوهانیان، هارتون، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدونی، اصفهان، نشر زنده رود، ۱۳۸۷.
- دریابل تکتاندرفون، گنورک، اتر پرسیکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول، ترجمه محمود تفضلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱ ش.
- رافی، سو، ملوک خمسه: قره‌باغ و پنج ملیک ارمنی آن از فروپاشی صفویه تا جنگهای ایران و روس، ترجمه آرا استپانیان، تهران، شیرازه، ۱۳۸۵ ش.
- راین، اسماعیل، ایرانیان ارمنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.
- رشتیانی، گودرز، «نسبت ارامنه با سیاست‌های توسعه‌طلبی روسیه در قفقاز (از اواخر دولت صفوی تا عهدنامه ترکمانچای)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۹، ۱۳۹۶، ص ۵۱-۷۰. DOI: 10.22059/jhss.2018.251966.472945
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان،

- تصحیح احمد اقتداری، تهران، جهان معاصر، ۱۳۷۱ ش.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷ ش.
- عزیز نژاد، محمد، «مواضع حسینعلی خان قاجار ایروانی در اختلاف دولت عثمانی و کریم خان زند در مسئله بصره (۱۱۹۳-۱۱۸۰ق)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۸۱، زمستان، ۱۳۹۸، ص ۲۹-۵۹.
- DOI: 20.1001.1.17352010.1398.21.81.2.2**
- علیزاده مقدم، بدرالسادات و ظهراب هاشمی پور، «وضعیت فرهنگی آرامنه بوشهر در دوره قاجار (بر اساس اسناد این دوره)»، گنجینه اسناد، شماره ۴، زمستان، ۱۳۹۴، ص ۷۶-۵۸. **DOI:130-9560-20160217145653**
- کوستیکیان، کریستینه، فرامین فارسی ماتناداران، ایروان، ۲۰۲۱.
- گج، آرشیو اسناد تاریخی گرجستان، فوند، ش ۱۴۵۲.
- مارکام، کلمنت، تاریخ ایران، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، تهران، نشر فرهنگ ایران، ۱۳۶۷ ش.
- مستوفی، محمد محسن بن محمد کری، زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۵ ش.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثر السلطانیه، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، انتشارات موسسه ایران، ۱۳۸۹ ش.
- میناسیان، سرگتی، «نقش آرامنه در ارتش ایران»، ترجمه آناهید هوسپیان، پیمان، ش ۱۸ و ۱۹، زمستان و بهار، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹-۱۳۲.
- هوسپیان، شاهن، «نگاهی به تاریخ شهر اجمیادزین»، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۶، زمستان، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰-۱۸۱.
- Baghdiantz, I. *The Armenian merchants of New Julfa: some aspects of their international trade in the late seventeenth century*, Columbia University, United States of America, 1993.
- Bournoutian, George, *Armenians and Russia, a documentary record*, Mazda Publisher, Armenia, 2003.
- Kostikyan, Kristine, Documents in Persian on the St. Thaddeus Monastery of Maku, In: AJNES 4/2. P. 159-175, 2009.
- AVPR, F.99, OP.2, D.13, CC.59-64
- TsGADA, F.23, OP.1, D.13-8, CC.124-125